

## در مذمت کم‌فروشی و خیانت در ترازو

گویند مسافری از دیار مغرب در گورستانی شنید که سوره مطففین را بر سر مردگان می‌خوانند.



ایکنا، گویند مسافری از دیار مغرب در گورستانی شنید که سوره مطففین را بر سر مردگان می‌خوانند. وقتی معنی آیات را پرسید و دانست، گفت جای مناسب برای تلاوت این آیات بر سر بازار است، به زبانی که اصحاب سود و سودا بفهمند نه زبان دیگر.

۲۶۵ روز در صحبت قرآن، نوشته استاد حسین محی‌الدین الهی قمشه‌ای، کتاب چهارم از مجموعه کتاب‌های جوانان و فرهنگ جهانی است. این مجموعه با هدف شناساندن فرهنگ و ادبیات به جوانان اولین بار سال ۱۳۹۰ به همت نشر سخن تدوین و منتشر شده است.

کتاب «۲۶۵ روز در صحبت قرآن» ۳۶۵ قطعه کوتاه و بلند از قرآن برای آشنایی جوانان با تعلیمات فراگیر قرآن انتخاب شده و کوشش شده است که این گنجینه تصویری از ابعاد گوناگون کلام آسمانی برای مخاطب ترسیم کند.

این کتاب، تفسیر در معنی اصطلاحی کلمه مانند تفاسیری چون کشاف و مجمع البیان و امثال آن نیست، بلکه بیشتر انعکاسی از کتاب وحی در ادب عرفانی فارسی و اسلامی است و نگاهی دارد به قرآن از دیدگاه ادبی، زیباشناسی و اخلاقی، اجتماعی و عرفانی.

گروه اندیشه ایکنا به منظور بهره‌مندی مخاطبان خود از این گنجینه قرآنی و ادبی اقدام به انتشار قطعه‌هایی از کتاب «در صحبت قرآن» کرده است. دویست و هفتاد و دومین قسمت از تحفه این کتاب با عنوان «در مذمت کم‌فروشی و خیانت در ترازو» تقدیم مخاطبان گرامی می‌شود.

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾  
الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿٢﴾  
وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿٣﴾  
أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ﴿٤﴾  
لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥﴾ (مطففین)

و ای بر کم‌فروشان (و گران‌فروشان) (۱) کسانی که وقتی کالایی را به پیمانانه از مردم بستانند پیمانانه را تمام و کمال پر کنند (۲) و چون کالایی را به پیمانانه بفروشند از آن پیمانانه کم گذارند (۳) آیا ایشان نمی‌دانند که روزی (پس از مرگ در پیشگاه خداوند) برانگیخته می‌شوند (۴) آن روزی عظیم و واقعه‌ای سترگ است؟ (۵)

عتابی تند و ملامت‌بار است دنیا پرستان را که هر چه کنند تنها به سود خود کنند، آنچه می‌فروشند نمی‌خرند و آن پیمانانه را که با آن سودا می‌کنند برای خود نمی‌پذیرند و آن معیارها و قوانین که بر خود می‌پسندند از دیگران منع می‌کنند، آنها که حق مردمان را در کالا و در کار و در کیفیت و در کمیت ادا نمی‌کنند، اگر کتاب می‌نویسند کار را سهل می‌گیرند و از خود نمی‌پرسند که من کدام دانایی یا زیبایی یا خبر تازه را در این کتاب عرضه می‌کنم و اگر در پی جاه و منصبند از خود نمی‌پرسند که آیا من برای این میز و منصب و مقام، شایستگی دارم و می‌توانم حق آن را ادا کنم؟ و هزاران سوال دیگر که مردمان اگر از خود بپرسند و انصاف دهند حق هر چیز را ادا خواهند کرد. پس وای بر کم‌فروشان که به عشوه دنیا کور شدند و آن مُلک کبیر و نعمت بی‌پایان را که در انتظار ایشان است با زندان ظلم و تعدی معاوضه کردند.

نوشته‌اند بر ایوان جنّت الماوی  
که هر که عشوه دنیا خرید وای به وی (حافظ)

ببری مال مسلمان و چو مالت ببرند  
بانگ و فریاد برآری که مسلمانی نیست (سعدی)

شنیدم که دزدی درآمد ز دشت

به دروازه سیستان برگزشت  
بدزدید بقال از او نیم دانگ  
برآورد دزد سیه کار بانگ  
خدایا تو شیرو به آتش مسوز  
که ره می زند سیستانی به روز (سعدی)

منتهای ناجوانمردی این است که شخص از سادگی و حسن اعتماد دیگران سوء استفاده کند و حق آنان را ضایع گرداند. معروف است که واعظی در شهر کوچکی مردم را موعظه می کرد و پیوسته تاکید می نمود که مراقب باشید این روستاییان که با شما معامله می کنند شما را فریب ندهند و کلاهتان برندارند. روزی یکی از سوداگران شهر گفت این چه سخن است که شما می گوئید؟ چگونه این روستاییان گیج گول ما را بفریبند در حالیکه ما صد راه برای گمراه کردن آنان داریم. ما سنگی برای فروش و سنگی برای خرید داریم. ما حساب و کتاب می دانیم و حساب را به سود خود می خوانیم. آنها کالای خود را وزن نا کرده و قیمت ننهاده به ما می دهند و بر ما اعتماد کامل دارند. آن واعظ گفت منظورم از گول خوردن همین است. گیج و گول شما بید. شما گول سادگی و صفا و حسن اطمینان آنان را می خورید و شیطان شما را وسوسه می کند که حق ایشان را ادا نکنید و این است خسران مبین.

گویند مسافری از دیار مغرب در گورستانی شنید که سوره مطفین را بر سر مردگان می خوانند. وقتی معنی آیات را پرسید و دانست، گفت جای مناسب برای تلاوت این آیات بر سر بازار است، به زبانی که اصحاب سود و سودا بفهمند نه زبان دیگر. این گونه تجاوزات به حقوق مردم نشان می دهد که عاملان را ایمانی به رستاخیز نیست اگر چه اغلب خانه ویران ایمانشان را با آداب شریعت آب و رنگ می بخشند.